

به نام خدا

زکوی یار می‌آید نسیم باد نروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

ادبیات عامه همواره به دلیل ارتباط تنگاتنگ با طبیعت و رویدادهای طبیعی، جلومگاه بروز و ظهور پدیده‌های مرتبط با آب و هوا و آموشد فصل‌هاست. خوشبختانه از آنجا که تقویم رسمی ایران آن‌گونه پایمیزی شده است که آغاز سال شمسی همزمان با فرارسیدن قدم مبارک فصل بهار رقم خورده است، آداب و رسوم مرتبط با این دوران فرخنده، بیش از سایر فصل‌ها در ذهن و ضمیر مردم، همسو و توأمان با جشن و سرور، حضور دارد. مجموعه آیین‌های نروزی با بدرقه روزهای عمدتاً سرد زمستانی و وداع با مشکلات ناشی از برف و باران و سرما آغاز می‌شود. مردم پاک‌نهاد از اینکه خداوند یارشان بوده و در سایه رحمت او توانسته‌اند یک سال دیگر را با فراز و فرودهایش پشت سر بگذارند، مراتب شکرگذاری و قدردانی را به جای می‌آورند و از رفتگان عزیزی یاد می‌کنند که سال گذشته در میانشان بوده‌اند و امسال جایشان خالی است. روزهای پایانی اسفند یادکرد و ذکر خیر درگذشتگان و احترام به خاطره ایشان است که نشانه‌های آن در برخی آیین‌ها برجای مانده است: از قبیل افروختن آتش بر فراز بام‌ها برای دعوت از امشاسپندان و هدایت ارواح یا حضور در آرامستان‌ها برای غبارروبی از مزار درگذشتگان و تقدیم هدایا جهت شادی روحشان. این آیین‌ها در گوشه‌کنار کشور پهناورمان با وجود تفاوت‌های اندک و بسیاری که باهم دارند در روح و روان اقشار مردم ساری و جاری است. از سوی دیگر در آستانه حلول بهار، در همه خانه‌های شهر و روستا پرستوی پیام‌آور فروردین، مردم را به تکاپو و جنب‌وجوش فرامی‌خواند تا از خانه و کوی و برزن گرد و غبار بزدایند و فراش باد صبا بتواند فرش زمردین بگسترده؛ بنات نبات در مهد زمین بپرورد؛ آنگاه عروس خوش‌آب‌ورنگ بهاری را به کابین گزاف، به حله‌گاه روزگاری که جوانی را از سر گرفته دعوت کنند. همزمان که برف کوه‌ها آب می‌شود، روح زندگی در حیات جای طبیعت جاری می‌شود؛ مردم، خانه جسم و دل در آب زلال می‌شویند و همچون روزگار خلعت نو بر تن می‌کنند تا پاکیزه و مطهر قدم در آستان سال جدید بگذارند. در یکایک آیین‌های مرتبط با نوروز، حکمت‌ها و دانستی‌های ارزنده‌ای است که همواره مورد توجه پژوهشگران فرهنگ عامه بوده است و با اینکه مقالات و کتاب‌های ارزنده‌ای در این زمینه انجام شده است، هنوز هم جای کار بسیار دارد. یکی از اصلی‌ترین رسالت‌ها در عرصه فرهنگ و ادب عامه، دقت در خاستگاه آیین‌ها و مراسم و تلاش برای بررسی تحلیلی باورهای مربوط بدان‌هاست؛ تا ضمن معرفی جزئیات آن، پرده از رازها و فلسفه وجودی آن بردارند و آن‌هایی را که در اثر دخالت برخی عناصر خارجی و دخیل یا غفلت ناشی از مرور زمان، از رنگ‌وبوی اصلی خود فاصله گرفته‌اند به مسیر واقعی و اصیل برگردانند. دوماهنامه ارزشمند فرهنگ و ادبیات عامه در این سال‌ها یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های شناسایی و معرفی آیین‌ها و مراسم فرهنگی عامه در گوشه و کنار ایران و تحلیل ابعاد وجودی آن‌ها بوده است و در این راستا پژوهش‌های ارزنده‌ای را منتشر کرده است و همواره چشم به راه آثار پژوهشی - تحلیلی علاقه‌مندان به این حوزه حیاتی و مهم بوده و هست.

در آستانه سال جدید از خداوند مهربان و توانا می‌خواهم که کشور عزیز ما را در پناه عزت و رحمت خویش قرار دهد و با تکیه بر عناصر مقوم اتحاد و همبستگی در بین اقشار مختلف قومی و نژادی کشورمان

- که نوروز از برجسته‌ترین آن‌هاست - بتوانیم همواره به‌عنوان ملتی هم‌پیمان، یکپارچه و توانمند در عرصهٔ تاریخ و تمدن و چشم‌انداز عالی آیندهٔ بشری حاضر باشیم.

با سپاس

نجمه دری